







و چون ادا نمودن آن را از کتب ادویه عربیه و فارسیه و هندیه مستند بخداوند تعالی که در مدعی به صاحب المصنف  
 مستفید میگردد و دست و پست و اشتغال و یک خانه نمودم و الله تعالی اسأل ان یجعله قبول المصنف المذمور  
 و کما لا اله الا هو ان یغفر لی من خطایه و ذلالت الاقدام و یجسی و یغفر لعلی و یغفر لکون فی شیم ان یغفر  
 لزمی و حذافان این فن آنکه اگر بهای چشم گشت این چنین شتابند و جای غلطی های یابندهای آنکه باین فن  
 پوشند و باینکه اصل علم آن که گشتند و غار طرده گیری بدامن بولفت نخلاند بهیست که در ذکر و توضیح  
 نیز هست و در غنی باشد صفت و در غایت است و و اما از این شرح فی المرام مستفید که در این کتاب  
 در بیان اموریکه اطلاع بر آن قبیل از شرح و در غایت و غایت و در این وقت فصل اول  
 تعریف علم و در غایت و در غایت آن بدانکه طب و در غایت یعنی تحریر و اشتغال و عادت و در غایت  
 عبارت از علم است بقواکین که شناخته شود از ان احوال بدن انسان به وجهی که در غایت و در غایت  
 حاصل است تحصیل بجزیر عمل است بقدر امکان و در غایت بیان معنی لغوی و در غایت ظاهر است اما در این  
 آنکه حفظ صحت و در آن برای جسمی که مرکب است از عناصر متضاده که کیفیات متضاده میباشد و در غایت  
 برای آنکه لابد است برای السلب از نظر مصلح و اطلاع بدن از اقبال پس برای آنکه لازم است مصلح است که در اول طب  
 بعدی نماید که عادت و شود و اما در این پس برای آنکه در غایت است موی حلق تام و در غایت تام و در غایت  
 انسان است از آنکه است که صحت یا مریض و غایت آن صد و افعال صحیح و حفظ صحتی است که حاصل است و در غایت  
 صحتی که از ازل است فصل دوم در معرفت خراج و شناخت در غایت ادویه و کیفیات اربعه و در غایت  
 و در غایت آنکه در غایت عبارت است از کیفیتی که در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت  
 متضاده و هرگاه از این دو اطلاق کنند مصلح نامند و آن غالی نیست از کیفیات که چهار از ان کیفیات اربعه میباشد  
 که حرارت و برودت و تر و خشک و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت  
 طبیب پس به این کیفیات اثر و غایت چهار یک که آنرا در غایت خوانند زیرا که آنچهار در بدن انسان صحت بدل از خراج  
 یا قریب با اعتدال آن یکی محسوس گردد پس بعد از انقباض از حرارت غریزیه یا بلیغی از آنکه او را بعد احداث نماید  
 اگر نماید آنرا معتدل خوانند و اگر نماید آنرا غیر معتدل گویند پس غالی نیست که اگر کیفیت متعین شود و اما اگر نشود و از  
 زائد و در غایت اول گویند و شناخته میشود و تاثیر این را در غایت استعمال و اگر در مقدار آن  
 و اگر محسوس نشود پس بعد از غایت که در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت  
 بجا که نشود و اگر نشود و اگر نشود و اگر نشود و اگر نشود و اگر نشود و اگر نشود و اگر نشود و اگر نشود  
 در غایت را بعد از آنکه در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت

این کتاب در بیان اموریکه اطلاع بر آن قبیل از شرح و در غایت و غایت و در این وقت فصل اول  
 تعریف علم و در غایت و در غایت آن بدانکه طب و در غایت یعنی تحریر و اشتغال و عادت و در غایت  
 عبارت از علم است بقواکین که شناخته شود از ان احوال بدن انسان به وجهی که در غایت و در غایت  
 حاصل است تحصیل بجزیر عمل است بقدر امکان و در غایت بیان معنی لغوی و در غایت ظاهر است اما در این  
 آنکه حفظ صحت و در آن برای جسمی که مرکب است از عناصر متضاده که کیفیات متضاده میباشد و در غایت  
 برای آنکه لابد است برای السلب از نظر مصلح و اطلاع بدن از اقبال پس برای آنکه لازم است مصلح است که در اول طب  
 بعدی نماید که عادت و شود و اما در این پس برای آنکه در غایت است موی حلق تام و در غایت تام و در غایت  
 انسان است از آنکه است که صحت یا مریض و غایت آن صد و افعال صحیح و حفظ صحتی است که حاصل است و در غایت  
 صحتی که از ازل است فصل دوم در معرفت خراج و شناخت در غایت ادویه و کیفیات اربعه و در غایت  
 و در غایت آنکه در غایت عبارت است از کیفیتی که در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت  
 متضاده و هرگاه از این دو اطلاق کنند مصلح نامند و آن غالی نیست از کیفیات که چهار از ان کیفیات اربعه میباشد  
 که حرارت و برودت و تر و خشک و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت  
 طبیب پس به این کیفیات اثر و غایت چهار یک که آنرا در غایت خوانند زیرا که آنچهار در بدن انسان صحت بدل از خراج  
 یا قریب با اعتدال آن یکی محسوس گردد پس بعد از انقباض از حرارت غریزیه یا بلیغی از آنکه او را بعد احداث نماید  
 اگر نماید آنرا معتدل خوانند و اگر نماید آنرا غیر معتدل گویند پس غالی نیست که اگر کیفیت متعین شود و اما اگر نشود و از  
 زائد و در غایت اول گویند و شناخته میشود و تاثیر این را در غایت استعمال و اگر در مقدار آن  
 و اگر محسوس نشود پس بعد از غایت که در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت  
 بجا که نشود و اگر نشود و اگر نشود و اگر نشود و اگر نشود و اگر نشود و اگر نشود و اگر نشود  
 در غایت را بعد از آنکه در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت و در غایت





پست خمر خورده زعفران سده کنده کفتری بستان افروز گمان خانجیک هسل النیل با توده خمر خورده  
خسب الفار حلی العالم کبیر و صغیر و کن جز را دانه ستر پست و صحن خور و قش موسن او و یه یا بس بدو  
و دوم ترب چندید ترخه انضار سنبلی الطیب شاهنرج مصدک عسل حرکی با دجان شتی جای حلا  
چج نیلوفر بستان را می لایل زراوند زقت سنبلی رومی شقیم شهدانج قصب الزریه کرسته شش و زهر  
قصب العنکبوت تلبرن باد شیر او و یه یا بس بدرجه سوم نوم امیسون افیمون اسارون چنانر خلطیت  
حصص زوقا سلیخو سکر کر قس جز و مرز خوش ورق غار جانون جز و با صستر بلوط آفاقیا آفستین این  
هسل المادیون بستان بومه عاشا خاض انرج دانه ششمان قشور قصب رما و نظرون بری و کن  
سرخان خوشه تیر و سار بستانی شب حق شوینر توی سوخته قیر ساق صوف محرق فادانیا قیسوی  
کودایج شش طریح نانواده او و یه یا بس بدرجه چهارم خردل سداب بری کرکث کرم او و یه  
قطان آفیمون جوزا بل او و یه یا بس بدرجه اول روض کل کا پو لبسال انشور قصب العنکب  
استفانخ خوخ برگ نیشته انجیر دوم چروغی آودری عصانه موسن او و یه یا بس بدرجه دوم بقا سینه  
بلد الحقا بلخ کدو شمش جز و قطونا بولی محصل سوم دروغت صندل او و یه یا بس بدرجه دوم و ساسی  
بترتیب حروف حلی اگال خورده عضو آن دوائی کر یا عشت فرط قوت عسل لیل لیلی ابرار و هر اعضا نماید  
و کجار انزروت نمک ششمان سینه قوره صدف سوخته قوتیا مراد سناک قوتیا س جهاوب ای شش  
و آن دوائیکه کشد اخلاط و طوایف را بسوی خود و بجا هر بدی باعث حوارت الطافست خود چندید سترانیا  
و غیره جالی ای پاک کننده دوائیکه پاک کند طوایف از صبر از سام عضو انزروت عسل ابرمل شوره  
نمک نبات رنخ انجمه ایر ساج بستان زقت چا دمای است که سنده دوائیکه اخلاط و طوایف را  
توم نشاسته که پاک کننده اخلاط یعنی ستر زهر موسن آن دوائیکه بری را بر کند پست است کرد اندک  
پاسانی کند شود قوره رنخ سقیاب خاکست که کال ای غار شش آورنده دوائیکه بسبب حدت  
و گرمی خود جالب کند و می سام اخلاط و طوایف را کشنده را نه چکر خمر نماید و عضو مانده که خاتم  
ای تمام کننده زهرها دوائیکه بسبب قوت بخت خود ظاهر نماید و احسنه را نشکند نماید و طوایف نگذارد و خشک  
را شنبه و انزروت آینه اک است قوتیا صبر صدف سوخته و غیره و ایق دوائیکه بسبب انزوت  
خود پست کبیر پاد و بقی رافع یعنی بازگرداننده ماده آن دوائیکه اخلاط سالی را باعث روت  
و قوت قش خود را بخش بوی عضو موات بازدارد و غلب بر قوت و قش کشنده خشک ظاهر  
ای فشارنده و آن دوائیکه باعث شدت قوت قش و جمع خود و عضو را فشارد و پاک طوایف و قش و مثل

وایق و  
بجای آن را  
نمک نبات

و سرای عضو اندک اگر اندام خرد تر شود و غیره غشال یعنی شوییده و آن دو ایکه بقوت مایه غشال خود  
اصطلاحاً بر سطح عضو زایل نماید و آنرا اصافه گردانند مانند آب غشال و مایه الشعر و غیره و قائل ای کشنده و آن  
دو ایکه بسبب ندرت خود روح حیوانی و قوی را غائی گردانند سحر هلاکت گردانند و قیون و غیره چون پیش  
از قتل قائل بود پس است که گویند که بر حیوانات مخصوص بهم است و دیگر بر مایه غشال است و قائل قائل  
دو وای و ایکه که شکم و غیره را هلاک سازد و بزرگ قائل زو قای خشک جده استین بودینه قبیل  
شیخ شونیز بزرگ گفتا که ترس گردا محنت قضا اضرات او و یک طبع را بند گردانند پوست ترنج پوست  
سنگران مرغ جفت بلوط پوست بر و آن پوست زرد رنگ حبله آس با قلا علیا شیر دم الاغ خون گلات را رسد  
جوز ساق مدیس بزرگ او خردوز اسود و غیره تمام خون سحر شکر اندک حصله خود بر سرچ مایه آن زدند  
طبع نیم بر قطره ناربان و ورق زرد آفرود که با تخم کمان نشاسته زعفران گاو رس ناردین قاشق  
پیشی خرد شده پوست دو ایکه بسبب شدت قوت جلای خود بخاراش پوست فاسد عضو را مانند زرد آفرود  
و غیره کاهوی ای در غشال و آن دو ایکه بسبب شدت سحر ارق و خفیف خود جلد را بجا و دو داغ نماید و آن  
و آنکه کاهو اسرار کرایع ای نگیند راج و آن دو ایکه قوام راج غلیظه معتدله بقوت حرارت و خفیف خود  
رقیق ساخته و غشال شکر ساق خود را فاع ای زنند و دو ایکه بقوت حرارت و شدت نفوذ خود در عضو  
رفت نفوذ نماید بر آن نماید و بزرگ و مانند جردل و قمل و غیره نرج ای چسبند و دو ایکه اجزاء آن از هم  
منقطع گردند و با خود چسبیده بودند مانند خبازی و غیره مانع است احلام روید و دو ایکه  
از بدن ایهای پریشان با من دارد و سنگ بلور چوب نریت و گلو و نین شب یمانی زیر سر و کشه مخزن درج  
انبار الحما و آفرود و سبب مرگش با سحر از نرج مانع است انصباب الموائه و الی العین  
ای و دو ایکه بر او راسی چشم چکیدن نهد و قشر الطبع و حاکم لکن در قرن الابل دقیق با قلا آنتوس بر الکلیج  
و غیره مخلوط و شیر زن و حاکم بوشه لکاب فوقل و ریاق فاروق و انزروت عتب الشلب سف جمل  
مدیس آدرج مبتدل با بعض حنظل شبنم زرد و آقا قاشق ساق کشری بسته و آنجا حنظل  
قطران مانع است نزف الدم و نفث الدم و اسهال الدم ای و دو ایکه پس  
خون بی مدان خون اسهالی نماید مالاغون متعکله قطره ریون جوز اسود کشنده شکم بزرگ بسته  
مستحق نره کاهو نرج ای بپودینه گیوه آدرج انحر جفت بلوط بزرگ که با نشاسته بزرگ الکلیج شادند  
کند که کند باز و کل ادرجی ریشه گرد کشنده ریون مدینی حنظل مانع است نجا برای و دو ایکه غار را منقح  
جو کین گل سحر اندک ترش عرق لیون شربت خند عرق کباب مسرود و دو ایکه اجزاء برودت و کوه

[illegible]

کرده پس بر ناز یا قاعده طلوع نمودن مخمر حیات مشیم پست یا هوشان سوسن بخل بخور کردن مخمر کز بخیال کوبه  
سوسن شونیز پر تخم صفت چند بهر آب ساهل ساهل در هر قطره کردن و نوشیدن بآبونه و حسب اهل  
مختلشن ای فراز و شیب و درشت کنند و دو ایکه بشدت قبض و تخفیف خود سطح حضور انصاف لاجرا  
و بخت و بلند کرد اندا اکلیل الملک فردل و غیره و هر رای ادرار آورنده و دو ایکه بقوت حرارت و تطهیر خود  
ماییت افندید فضول ساهل را از راه بول یا خواجه بصل یا عرق یا شیر اخراج نماید اهل القوان انیسون کوبه و پسته و  
چند بهر سداب را از بایند از صبی سکنه قانیا کبابه کر قس و غیره و در رات باره بول خاخسک  
تخم نه این گل نیم و آب کاسنی تخم خرفه آب که و آب خیار آب تیر تخم بجزه تخم کاسنی آتش و آب کیوان و  
کاکج و در رات حاره بول تخم گند پست یا هوشان شنبلی الطیب یا کاس بویان کباب صبی قسط  
شیرین زعفران سکنه انیسون زرد کای باب سداب اسارون و خود لسان اهل بر جاسف کر قس مغز  
تخم کز شونیز و بینه ناخواه خبازی و در رات حمض پست یا هوشان کباب صبی سکنه حرمل و رنگ کابی  
شونیز اهل قسط شیرین قانیا اسارون بر جاسف بطله یا قرد ما خود و شونیز زعفران بآبونه و کاک  
خسک حبه انحر آب خود اسارون سداب پوست لسان سده تمام کر قس چند و مرزنجوش ناخواه  
ترس و در رات منی کر قس فستقین بآبوان ترس در رات نکی مد مل ای اندال آورنده و علاج  
و جاق کنند و در و دو ایکه رطوبات قروح و جروح و خشک کشف کرده از گوشت صحیح پرنایگل تخم  
شنگ جرات احمد دم الاخرین صمغ آکو کثیر صبر گلزار صمغ از روت کثیر سفید موم سفید را روند  
روغن کاه شسته زیر کاسیه رال و رقی بلوط ایر ساز قوت آب لسان الحمل مرخی یعنی سست  
کننده و آن دو ایکه بقوت حرارت و رطوبت خود قوام اعضای کثیفه المسام را نرم و سست نماید و کما  
رافراخ یا فضول احمه آسانی دفع گردانند شبت و بز رکتان هر طبع و دو ایکه بسبب یاقوتی رطوبت خود  
در بدن رطوبت و تری افزاید که و بر رطوبت یا بطن مرقق و دو ایکه اخلاط غلیظه را ترقیب نماید مانند غسل  
بخل و غیره و رقی ای افزاینده فضول و اخلاط و دو ایکه بقوت ملینه خود ملین سطح عضو نموده اخلاط  
دفع نماید و بوی عذرا المرقنسی و غیره مسدود و دو ایکه کثافت و پوست خود مجاری را ببرد و در رات  
تخفایش سفید و غیره مسرات سکه آنکه زود نشا آرد و با دانه تخم زعفران تخم کاکج ما و ترس و چتره  
بتجمل مسکن و دو ایکه در نارالتسکین و در اخلاط و ارواح را از حرکات غیر طبعی باز دارد و قوت  
پیه بطریح بروج الصنم سفید و تخم مرغ شسته کثیرا صمغ عربی مسدبت ای و دو ایکه بخوابد  
و اعضای را بجم نماید القوان اصل طرک حکما زعفران شنبلی شقائق کاه و قس شام سفرم مسکن



دوايکيه شته مار و گرسنگه از استعمال آن سولم شود عرق چيون پوست ترنج سبکچين بر موي سر که در کلاه  
نوبست چيون ناقص ترک بپزدی حصبه که خواجان آب شتر قاقله قشيره صلب دوايکيه اصلاح حال  
کاول مشروب نماید و ضرر او بديگر باز دارد و مانند زعفران براي افيون مصطب دوايکيه جوهر صند  
اسود را خست گرداند مصطب ع ای دوايکيه از استعمال آن صلب عيني در مرقع غار شود و بجز انفسار  
الطيف بر دهن بزرگ الیغ کنند که اثر شديت تيره بکار عدس عليه حرکات آن فکاسی آنرا قوت شستن  
استغاثه فکاسی آنرا قوت تيره و رطب بآذنان گوشت ندر و بقوه جده کنار جوهر دوايکيه  
دواني که بعضوی از اعضا باقوی از قوی ضرر رساند مضرات باه فرغ شست کاسنی کاوه کشيد بکوی  
شیر خام ترنج تيلو غتاب بایر ساقه طه ندي خوش شفاش سياه بقله يانیه خاص کاغور تر پندی آتوی بخار  
کاهو موم کک آب سولسار نوشيدن خصوصاً وقت صبح بلا خوردن چیزی و بعد علاج و مخرج اشياي ترش  
و کسرت رايح مضرات البصر عدس خرقه خاص کرب کاوه چره گنده با جلع کسرت نمودن و دور  
تاب آفتاب با رطب آتش نشستن و کسوی آفتاب با پز طبع و تانان افکاردن مضرات چکرت را  
انجير نارنگی شکر شعله آب بلب اسود بسانه خبالبان آب سرد و آرشيشان مضرات دندان کشه  
قشر خصوصاً شیر شربت آشتان آب شوده آب بفاشياي ترش و چترهای گرم خوردن و يا نوشيدن  
فوز آب سرد نوشيدن مضرات و باغ پيوه مردم حلیت خشخاش آهاس شتر فار ابلیج کاسی  
تنکو شرف مضرات رسيه آساردون خبالت حاشا شاپته و با دور و پنج بفته شير افکاس  
مضرات معده کنبه عدس ماد الشير تخم کالم آکوشين عتاب تخم کتان گل محضر او کرب  
انجير تافسيا جده حصر هاما بزرگ کسه آب گرم راغن کاوه و چينه های شیرين و مرغيات معده قبلان چو کر  
مسطفی دوايکيه صحت و صورت اخلاط حاده را فرو نشاند کاغور کاوه معدل دوايکيه اخلاط شير  
را با جالت اولی کرد و تعدیل مزاج نماید معدلات خون تخم کاوه تخم کاسنی آتوی بخار ابرو شير  
چوب آندوس برگ نیم چوب ششم گل نیم گل تيلو فکل بفته شربت مندل شربت کدر عرق بادان کاسر  
آب چيون سبکچين شربت عتاب دار النسل معدلات صفر کاسنی خرقه آبغول تخم خیارين کشيد  
مندل صيد تخم کاوه کاغور مهده معدلات هر که صفر اقرص طبافير بلین قرص کاغور قرص  
طبافير قاض شربت مندل شربت بفته شربت آکو شربت تيلو معدلات بلغم آذيان آنيون  
کون و آنيونی اصل السوس شتر قاقله مویز بر جاسف مندل الطيب فکاسی طعی معدلات هر که  
بلغم تخم سیر تخم فاسه تخم زنجبيل و جاکرش جالینوس معدلات اسود و آنيون

کافور بان غمر خرب اصل سوسن شترالقیون آفریم موز غمر و معدلات هر که سودا کجین  
 افشیمونی سوسن سقر طاقونی و طوقی آتش دار و غمر و دگشا شربت بالنگو شربت گاوزبان شرب  
 دوا اینکه طریبات حسیه را از راه سبب دفع نماید غشس ای دوا اینکه غمر که سودا و دوا می کرده و غشس  
 دفع نماید تنگ کو کجین و غیره غشس ای دوا اینکه آتش که در طبیعت اشتقاق و دفع نماید یا  
 مانند خیز و غیره و از خیزهای گرم و خشک معضن ای دوا سبب کند دوا اینکه فاسد نماید مزاج غشس و از غشس  
 ارواح و طریبات آئینه و سوسن آفریم موز غمر و معدلات هر که سودا کجین افشیمونی سوسن سقر طاقونی و طوقی آتش دار و غمر و دگشا شربت بالنگو شربت گاوزبان شرب  
 بمناقصه و فواید معروف سپید و سوسن پید کند صفت عربی نشاسته کثیرا آب گشسته غشس ای دوا که دفع میکند  
 بگشاید و تحلیل نماید آیسون آفریم موز غمر و معدلات هر که سودا کجین افشیمونی سوسن سقر طاقونی و طوقی آتش دار و غمر و دگشا شربت بالنگو شربت گاوزبان شرب  
 زردباد زرد و سبب سبب صفت کثیرا آب گشسته غشس ای دوا که دفع نماید غشس و از غشس  
 خلیط نماید مانند بقولات و غیره غشس ای دوا که دفع نماید غشس و از غشس  
 کثرت آسارون برنج و سبب سبب صفت کثیرا آب گشسته غشس ای دوا که دفع نماید غشس و از غشس  
 زردباد زرد و سبب سبب صفت کثیرا آب گشسته غشس ای دوا که دفع نماید غشس و از غشس  
 اسطوخودوس آفریم موز غمر و معدلات هر که سودا کجین افشیمونی سوسن سقر طاقونی و طوقی آتش دار و غمر و دگشا شربت بالنگو شربت گاوزبان شرب  
 حرک زردباد زرد و سبب سبب صفت کثیرا آب گشسته غشس ای دوا که دفع نماید غشس و از غشس  
 سبب غشس ای دوا که دفع نماید غشس و از غشس  
 مانند زردباد زرد و سبب سبب صفت کثیرا آب گشسته غشس ای دوا که دفع نماید غشس و از غشس  
 سبب غشس ای دوا که دفع نماید غشس و از غشس  
 آفریم موز غمر و معدلات هر که سودا کجین افشیمونی سوسن سقر طاقونی و طوقی آتش دار و غمر و دگشا شربت بالنگو شربت گاوزبان شرب  
 پوست کافور صندل سفید مشک الفکار الطیب سبب سبب الطیب ای دوا که دفع نماید غشس و از غشس  
 کافور و سبب سبب صفت کثیرا آب گشسته غشس ای دوا که دفع نماید غشس و از غشس  
 آفریم موز غمر و معدلات هر که سودا کجین افشیمونی سوسن سقر طاقونی و طوقی آتش دار و غمر و دگشا شربت بالنگو شربت گاوزبان شرب  
 آفریم موز غمر و معدلات هر که سودا کجین افشیمونی سوسن سقر طاقونی و طوقی آتش دار و غمر و دگشا شربت بالنگو شربت گاوزبان شرب  
 آفریم موز غمر و معدلات هر که سودا کجین افشیمونی سوسن سقر طاقونی و طوقی آتش دار و غمر و دگشا شربت بالنگو شربت گاوزبان شرب  
 آفریم موز غمر و معدلات هر که سودا کجین افشیمونی سوسن سقر طاقونی و طوقی آتش دار و غمر و دگشا شربت بالنگو شربت گاوزبان شرب



[illegible]



گویند و بخت قدری در فرج افشاندن نیز موهبتی بر روح سوار یک خود تا سه روز فرج المیدان بخیرای  
بست کنند و ای دوا یک سبب فوت بدست و قهض خود بسته نماید اخلاط در بطول را نیز از بخت نشاسته منجم  
ای دوا یک دارم در صلاط و اخلاط را بخت نماید و اخلاط منجم را بعد از نایه و قابل از خارج گرداند ای رفیق  
خلیط و غلیظ را رفیق بسته دارم و سیال نماید منجم صفت صفر اعتدال یکسرخ کل بخت کل بخت و شایسته  
منجم کاشی پنج کاشی عنب الثعلب سنگ تمیزین زنجیرین شکر سرخ شربت آلو کافور آفتابی منجم صفت بلغم و بوی  
خمر قطعی بادیان یکونه آهمل السوسن شربت آهمل السوسن برباوشان شکامی انجم کاسرخ گلشنه عملی با بخت  
منجم صفت سحر و استپستان عنب گاو زبان باد بخوبی بر سیاوشان آهمل السوسن شربت کوب اطعمه خود  
شکامی ساهتره بادیان باد آورده زنجیرین یک کافور منجم ای نفخ آورنده دوا یک سبب بلغم صفت  
آن حرارت خیزی قادر بر تحلیل آن نشود بل در تحلیل بریل گرد و بیا و غیره و منجم و آنرا طعمی که بخت  
ای بر باد باند گوشت ای دوا یک خون دارد بر حراست را تحلیل گوشت میگرداند دم الاغین نیز  
منجم ای دوا یک خواب را بکا بوقیون شربت شمشاد شمشاد شمشاد شمشاد شمشاد شمشاد شمشاد  
کل نقشه شندی تر آتش جوشیده با دام روح نیلوفر و عن کل روح با دام با جوده خاک قبر خفته باشند  
خواب گران در منزل ای دوا یک بیدار الاغ نماید مانند منجم صفت صفر اعتدال یکسرخ کل بخت کل بخت  
را در بختان و جوش آرد منجم فرج ای دوا یک چکر آورنده بود در زخمها و مالغ خشکی و شقاق آن  
گرد و دهم روح مولدات منجم ای دوا یک منی را بیدار نماید سحر بخان شیرین بیا زخام و بخت  
خسب الزهر برین بوزیدان باد بسته هم گمان آتش منجم خود با کون لسان لاهب فی زنجیرین  
زنجیرین شمشاد شمشاد شمشاد شمشاد شمشاد شمشاد شمشاد شمشاد شمشاد شمشاد شمشاد شمشاد  
رطوبات سیال نماید یک آب نمیده و منجم ای دوا یک کطعام را منجم نماید شمشاد  
فصل چهارم در بیان اوزان طبیه و بندیه و اهل یارین و غیره و تحویل بعضی اوزان به بعضی  
ابریق در وزن است و در بعضی دوزن و در بعضی دوزن و در بعضی دوزن و در بعضی دوزن و در بعضی دوزن  
دو خرد و بری و در بعضی یک ربع بوزن چهار خرد است استار چهار نیم شفتال و در بعضی  
یک نیم تولد و در بعضی شش درم و سه سبب درم و بقولی شش درم و نیم درم و در بعضی  
شش درم و در بعضی درم و در بعضی درم و در بعضی درم و در بعضی درم و در بعضی درم و در بعضی درم  
شفتال آب گند ابواللغات قدیر ای شربت با بخت او قیده است او قیده است او قیده است او قیده است  
بست و در دوزن و در بعضی سیزده درم و در بعضی سیزده درم و در بعضی سیزده درم و در بعضی سیزده درم

در سخن مذکور گشتند و از شانزده دم بود و صاحب بحر الجواهر این فصل را در یک روز و از زینت بجهه  
درخی است و از شراب و اوقیه و نصف درخی و از عسل سه اوقیه و ربع و من اوقیه و اوقیه و دو قی  
هم گویند هفت و نیم مثقال و قبولی هشت مثقال صاحب بحر الجواهر آورده که اوقیه نزد اطباء بوزن  
دو دم و پنج سنج دریم است و او فی سنج اوقیه الا اطباء بر بست و چهار اوقیه اطلاع کنند اهان  
و قیه و گویند هفت مثقال است با قلائی یونانی شش قیراط و گویند بست و چهار شصت و گویند  
نیم دریم با قلائی شامی و قیراط با قلائی مصری صاحب بحر الجواهر آورده قیه قیراط گفته  
و گویند یک دریم با قلائی اسکندر ری و قیراط کافانی بحر الجواهر بطون صغیر شش درخی  
بطون کبیر است اوقیه است بست و قیراط یک دریم و گویند یک مثقال و نزد بعضی چهار دانگ و نیم  
و شش و شصت حد یک دریم که دو نیم باشد و کسری با لاسی و پیل چل باشد و گویند بست و تولد و بقولی شانزده  
طابک پول فلوکس و دام را گویند یک دانگ یک دریم که گویند چهارده باشد چهل و نیم وزن آن پست بسیار اختلاف  
بلاد و صغیر و کبر آن مختلف میشود طابک چهار باشد و بقولی است و چهار سنج و بقولی سی و سه سنج  
و بقولی بی و دو سنج و گویند چهار و نیم باشد و شتمیل درین زبان همین است و در عرف بیک جزو از شانزده  
جزو یک سینه اطلاع می کنند تر سیم و قیراط هر یک نیم مثقال و تولد بوزن بتعارف بلاد هند و اورد  
باشد است حاکم صغیر و مثقال حاکم یک مثقال حاکم میان حرمه لطیفه قیراط یک دریم است  
ملا سوز و وزن سه دریم و گویند چهار مثقال و گویند قیراط شش مثقال حقیقه مقدار بری کشت حصه  
سدر هم و گویند چهار جو یک ربع و جو زهره از طلق او مراد درخی است جو زهره ملکیشش در  
جو زهره بنطی یک درخی و بقولی یک مثقال خروپ یک قیراط و گویند سدر هم و گویند چهار جو زهره  
منوطد صغیر و یک نیم دریم و گویند ربع و نیم و نزد بعضی بقدر دانه خشخاش خمر یک دانگ و نیم مثقال  
دانق محبت دانگ چهار سنج و سدس سنج و گویند چهار قیراط است صاحب مخزن الادویه نوشته که  
از دریم و قیراط و از مثقال صغیر و کبر است که از مثقال طبعی مطابق اوزان هند یک درخی و یک ربع  
میشود و آن پنجاه بست و یک باشد و بعضی است و دو باشد گفته اند و صاحب شرح سفر السعادت  
چهار و نیم مثقال نوشته و دام چهارده باشد و دام خرو و دام عالمگیری عبارت از همین است  
درخی یک دریم و گویند یک مثقال در نیم طبعی و در نیم نام است و نیم باشد و در نیم شمعی  
بقدر میان آن است در نیم مصری شصت و چهار حد است در نیم نام ناقص چهار دانگ  
و نیم مثقال در نیم صغیر است در نیم طبعی چهار دانگ و شمعی و در عت عبارت از شصت و دام

و بقولی دومیم باشد و کسی بالا رود و ورق سرب از دو قرار نمیست صاحب بحر الجواهر است و رطل نوشته  
 و اگر شش از این چهار رطل نکل کرده و ورق انطراکی است و چهار قسط وینار چهار و نیم باشد راحه  
 مقدار یک رطل یک است و رطل استعاش در یک سی و وزنی هر دو می شود و از مطلق آن مراد رطل  
 بنده است که عراقی هم گویند و معروف اطباء در آن که مادیون رطل بود و معروف بوزن سفار است  
 و اگر با فوق است و سیمی بوزن یکبار رطل طبعی مراد از رطل عراقی است صاحب خیر و نود و ششقال  
 و در هر یک یکصد و شصت و هشت در هر چهار صد و در هر یک صد و شصت و هشت و آن بولی یکصد و سی و در هر رطل شری  
 و نوع است یکی رطل عراقی چهار صد و پنج باشد و گویند چهار صد و شصت باشد و دیگر رطل حجازی  
 نزدیک به سی و هفتاد و چهار است که یک رطل عراقی است رطل سبک که در بلاد ماوراء نهندستان و بلاد  
 سی و دو و دهم هفتاد و یک رطل مدنی یکصد و سی و پنج مثقال است و گویند یکصد و شصت مثقال  
 رطل مدنی صد مثقال است رطل ششقه چهار صد و شصت مثقال و رطل سیم است چهار اختلاف  
 بلاد و وزن آن مختلف شود و رطل یکصد و ده و نیم باشد و بیشتر در رطل سبک از آبادی ده باشد و رطل  
 که صد و سی و یازده باشد سبک فارسی است یعنی عین الیک که بنده میگویند و در آن گویند و هفتاد و  
 یکصد و شصت و شصت و شصت که عبارت از شصت و شصت است و هر یک صد و شصت و شصت و شصت و شصت  
 و بعضی شش و ربع است و گویند سبک چهار صد و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 سیم از وزن شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 سی و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 و طبعی برابر دهم و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 هشتاد و سی و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 موافق توله کمال سیم ایرانی پنج توله شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 و در هر یک صد و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 صاع مدنی پنج رطل نکل رطل صاع مائمی چهار صاع عراقی صاع چهار صد و شصت و شصت و شصت  
 طالوان تا و قیطان یقون یکصد و شصت رطل بار طالی که هر یک و از دو و قیطان و شصت و شصت و شصت  
 بغدادی است و گویند دو و نیم و طالوان تا و قیطان و صاحب بحر الجواهر از شصت و شصت و شصت و شصت  
 و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 وزن اهل ایران و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت

و در هر یک  
 صد و شصت و شصت

فرق است که بدانند و آن در دوازده است یا سه صاع و از این چهارگونگی قسط و  
نصف صاع و سكون را در هر يك يكصد و بیست طل فلو س جمع فلس است در عرف و ام پخته و خام گویند  
فل بیشتر است فلنجیا مقدار يك عقد گویند بكنیم شقال قوالوس يك نیمه اوقیه قسا طونی  
يك شقال قاشق يك عقد است و گویند يك دم خبصه قدر يك سرگشتان گویند خبصه مقدار كشت  
و این پنج اول و سكون ثانى است و ضم اول يك است قدر مصرى سى و شست اوقیه چهار  
اسباع اوقیه قره معنی شك است بشیر که در آن پنجاه و نه شرعى آب در يك قسط نیم صاع که از آن صاع  
قسط رومى است اوقیه قسط مصرى و از طلا كی بزرده اوقیه گویند چهار طل قسط  
زرد و آنان يك طل است و گویند يك نیمه طل و گویند و نیم طل و قسط شراب است اوقیه قسط  
روغن بزرده اوقیه قسط فطرى و قیر و طلی هر يك است چهار اوقیه و آن يك بشیر شاهمانى  
پیشود خفیه گویند يك من شست بشیر شاهمانى است و گویند بیست و پنج من از من های کلان  
خفیه چهارى را بر اصبع عراقى است خفیه را شامى گویند شست طل گویند چهار من هر من و وجه  
و شست دم فطر را پوست گاو بز يك سیم و آن مقدار بزر درینار است و گویند چهار درینار  
و گویند مقدار بزر درینار و گویند شتا و بزر در نیم شرعى است و گویند بزر در اوقیه و نیز قسط شش است  
و بعضی يكصد و بیست طل گویند قوطیل مقدار دو و شقال قوالوس گویند قوا و سبب شش شقال  
و از زیت دوازده و زنجی است و از شراب يك اوقیه و نیم در زنجی و شقال آن و از غسل و اوقیه و زنجی اوقیه  
قوطولى صاحب مخزن الادویه هفت اوقیه نوشته و صاحب بحر الجواهر بیست اوقیه از شراب ده اوقیه  
از زیت و سیزده اوقیه از غسل گویند از شراب ده اوقیه قیا ساخت شقال قیر اط چهار است  
و صاحب بحر الجواهر نیز از قسرى ربع دانگ آورده که چهار جوی شود و از زنجیه آورده که آن خم گشت از  
اجزای بنار نیز از این شامی که جزو است چهار وینار است و از کثر بلا و نصف شش آن که شش قیر اط و گویند  
یک نیمه اوقی گویند و در اوقی که شش و نیم گویند شش شقال کوب سبطل مجعوا کوب کوزه شش سبط و گویند  
سبطل و گویند سبطی کول سه کیله کیله پانزده است که یک من و نیم کیل پانزده است که یک من و نیم کیله  
کند مقدار آن صد و ده است و گویند سى و شش و نیم و نصف سى و شش یک من یک کیله صد و ده و گویند شست  
در کهرى با طرطیس مقدار دو قسط از قسط شراب لیطول که صد و پنجاه طل عراقى است شسته ماهیچه ماهیچه  
هشت تنی است که عبارت از سرخ بود و شقال طلی چهار ماهیچه و نیم ماهیچه است معقول الیه بیست و صاحب  
الفاصله الادویه چهار ماهیچه و نیم سرخ نوشته در مخزن الادویه نوشته که شقال یکد نیمه و نیم سرخ در هر نیمه است

که حساب بندگی دو باشد و پنج رتی و سه رتی پیش خود و دیگر آنچه بر سر هر یک و سه رتی و پنج رتی  
 شاقیل شغال شرعی یکدوم و سه رتی است و بقدر است قهر اهل بیته و خدایا  
 چهارم است خمر بر موده اند طبعی یک طبع طبعی و گویند و طبعی است  
 و شرعی نزد امام عظم و امام محمد و امام احمد و امام ابو یوسف و امام شافعی و امام مالک و امام  
 مسطون و امام زینب و امام و از شراب و قید و بهشت و رنجی و از غسل چهار و اوقیه و نصفه و اوقیه  
 مسطون و صغیر از زینت شش رنجی و از شراب است و رنجی و از غسل نیز رنجی و معلقه و چوب و شاقی  
 مانند از غسل و صاحبین چهار شغال است و ازاد و پیش شک و شغال بود ملک و یکدوم است  
 و گویند بهشت من نیم من و نزد بعضی استار ملک یا لکستریا است که دان زن کنند  
 مقدارش است و چهار یکدوم است و صاحب خمر آنچه بر سر هر یک و سه رتی یکدوم است و  
 شغال و از اوقیه است و چهار اوقیه و از دهم و دو صد و شصت در هر یک که تخمینا چهل و یکدوم است  
 می شود من شرعی من عراقی است که چهل استار است و بقولی چهل و یکدوم است من هر یک  
 سی اوقیه من اگر بی سی سیر کبری من اطفالی و مصری هر یک شازده اوقیه که یکدوم  
 و است شغال می شود من تیر شری شش صد شغال که یکدوم و پنجاه و دو غازی بود که حساب هر یک  
 دو صد و یکدوم است و شغال استار می شود من و با انگیری سی و شش سیر با انگیری است  
 من خانی بهشت سیر کابل من شش سیر با انگیری چهل سیر با انگیری من شاهی که هزار و دو  
 شغال من و می است اوقیه من و طبری است و دو اوقیه و گویند یکدوم و شغال  
 من ملی و صد و شصت و دو صد و گویند یکدوم و شغال من عالمگیری چهل سیر تمام  
 حصص یعنی طلا سکه که اکثری گویند تمام آن نه باشد و شش رتی است و ناقص آن نه باشد چهار  
 و بعضی نه باشد و پنج رتی هر یک که ضرب قدیم دوازده باشد و پنج رتی هر سوره رتی ده باشد  
 و بعضی رتی هر البری و بیجوری و با انگیری و شاهی و عالمگیری بقدر دوازده باشد و پنج رتی  
 هر سیر شاهی و احمد شاهی ده باشد و پنج رتی تا طبل و تا طبل و استار و گویند دو اوقیه  
 بیش از شغال اول و شش و شش و شغال اوقیه شغال و گویند نیم در من و شش و شغال  
 و آن صد و است و طاعت عبدالعزیز و چهار صد و شش و طاعت عبدالعزیز و گویند و صد و شش  
 نزد اهل کوفه و آن چهار شغال از یکبار شش و شش و شغال و قهر یکبار و شش و شغال و یکبار  
 تا این است و شغال استار است و گویند چهار اوقیه و شغال و شغال و شغال و شغال و شغال و شغال









احداث کیفیتی غالب بر کیفیت اصلی بدن نماید و در آخر مزاج بدن را فاسد کند چنانکه چون از این فرغ بود و متوجه  
دوای سوسل و انجا خاصیه آنکه تاثیرش کیفیتش متشدد و در روز و سبب شدت ثخوت سسل و تاثیر خود  
اصلاح و تدبیر نشود بگرد و نوبه اصلاح و در روز و در بین تاثیر و تاثیر در سطح و عروق و اعماق بدن نفوذ کرده  
بعضی از اخلاط و طبوبات بدن را به تخریب و قطع و تدوین میبرد و بعضی را با تحلیل بر مثل سقونیا که  
با کیفیت احداث حرارت و بصورت نوعی دفع بلغم و صفرا می کند و دای سوسل آنکه دفع قوت از این  
ضمیمه بود و چون با اصلاح بسیار نفوذ مانند طبوبات و سوسل و دای المین که تاثیر و قوتش از این هم بیشتر  
و تشنیت با اخلاط و طبوبات وجوده و معدده و اسحاق شده دفع کند و اگر خالی از قوت نباشد و مانند فلوس و یا زهر  
و شکر سرخ و قمر بندی و اجاس و شیر خشک و ترنجبین و بعضی از آن محتاج باندکی اصلاح اند چون خیار شکر که محتاج  
بچرب نموده و بر وزن او و در وزن گل است و دوا خاصیه آنکه تاثیر بصورت نوعی بخوراند و روی الکلیوس  
انچه از آن اخلاط غیر معتدل الکلیفه متکون شوند بر زمین او پی سنگین ترین خوش جوهر سوسل  
تشنه تشنیت با غلات مرصطی غلیظ که با این طبوبات شکر و چسبیده بود و عرقه طعم بسیار که به کرب  
از ملات و بلوط ترنجبین و اراد و پیانچ و سرخ او پیانچ و شیبی بوی تازه برآمده باشد مغرب گوشت  
به شفتا و سوسل انچه اجزای آن بجهت حرکت کنند مثل آب صمغی و انچه بیا زهر سائیده  
باشند صمغ الکلیوس آنکه از زهره تشنیت متولد گردد که اخلاط خلوط آن با ندر طبیب می بودند  
طایفی انچه بر روی آب ایستد طبعی انچه چاشنیده آب آن استعمال کنند طبعین حکمت  
که بفارسی کل حکمت گویند عبارت است از آن که گریز طبعین صاف از ریختن غیره که بفارسی خاک است  
نامند و در آب حل کرده و در او در کرده باقی را گذارند تا تشنیت گردد پس بوی او می ریزد بر زهره که  
و هم وزن آن بر گریز آن و به تخته آب نمک همه را خمیر کرده و هفت روز گذارند و مسرور و آب نمک  
بر آن بریزان بپاشند پس خوب برشته و سسل شوند و صمغ را هفت روز شده الا استعمال آن  
در انچه بی تشنیت بود و یا از آب منعقد کرده باشند که صمغ را آب افشوده غیر منجران نباتات  
عقطنس ای زهرت که اجزای آن را به جوش و تشنیت و صمغ سازد مانند بلبله غلیظ  
دوای و غذای تشنیت دای مطلق آنکه تاثیر و تاثیر آن در بدن بماده فقط بود و کیفیت  
و صورت مانند آب کوشتهای لطیفه و زرد تخم نمک برشت و سرگرم دای دوا  
آنکه تاثیرش بر ماده و کیفیت بر دو بود و غلبه ماده که بعد تاثیر و تاثیر از آن عطلی که بر وزن او تولد شد  
حاصل گردد و اما دای قهری در بدن نماید کیفیت خود چون با دای شیر و نفوذ و تاثیرش که بود و یا در دای

وهند وانه وخرنزه وگور وقلعه الحقا و اسفاناخ و شلم و شبت و عدس و لوبیا و زردک و کلمه غلبه  
ذو النخاض صیده آنکه تاثیرش باده و صورت هر دو بود و بقلیه و ده چون بگوشت و گوشت سفید و شیر باختر  
گردگان کس تصفیه اعدادش تفریح و دفع سمی نماید غذای کس که آنکه تاثیرش باده و صورت هر دو  
بود و فعل الفعلا حصول تغذیه احداث سمیت نماید مانند بلاد غذای دوا کس که آنکه تاثیر  
باده و صفت صورت هر سه بود مانند حوم افغانی و گلیا می جی فاستر نگر در حصص در اصطلاح اطبا  
عبارت است از او ویکه گویند و می کنند کباب و کبابی سازند و در سایه خشک نمایند تا بلوط مانند و نگهدارند  
و استعمال کنند کثیر غذا را آنچه اکثر غذا را و جزو بدن شود و زده و تخم مرغ نیمه شست گوشت کباب شراب  
ریخ و امانات و کبوتر و بچه گوشت بزرگ شفت ای اجزای او به شوری قبول الفصا کس که رغبت بدی دارند  
و نفوذ اجزای بدن بجهت کشند کیلو س کشکابی کس که از بضم بعدی هم رسد و شبیه کشک محلول  
آب شود کیلوس اصطلاح تولد هار بضم کس که بحدی بطنی گشت تیغ کس که از بضم قیق تر بود و طالع  
چیز سال روان مال شور کس که بر سطح زبان بدن گردید و نفوذ نند و جلاد و هر صفت کس که زبان نفوذ کرده  
سطح آنرا حش و طبعیت آنرا زنده و دانه حصول آنچه در بطن و جوارح است رسیده بود و بطنی دانه  
مرا کبابه خورد که آنرا نشاسته باشد تخم نباتی ساقی را که بیه که بزمین است و بویاری سی بیار گویند  
نفوذ قیج آنچه تر کرده بلا جوش استعمال نمایند فصل ششم در بیان حفظ او و در غرض و بهر چه او را  
طریقه حفظ بسیار است و بهر که بعضی را با بعضی میکارده دارند اما قیج ماند و صانع نگردد و پس آنکه کباب را  
با فضل و تخم مرغ را با نمک و ساق را با نمک و براده آهن یا آهن با و حصارات و روغن و تخم مرغ را با نمک  
قلعی دار و زعفران و میاه صاره و عرق دار و در شیشه صیق الراس بعد از سرد شدن یاد و شرج و یاروی و تو تیا  
و عرق بهار را در ظرفی سنگی دارند و او را قیج و گلخانه و تخم را از جای خشک و طبعش آفتاب و در آنند و کباب  
را با بعضی از جن که بطنی طریقه حفظ زهر و حیوانات که تازه مانند آنکه وضع قطع و جوی آنرا از بطن  
در شیشه انداخته و آنرا پوشانند اگر حرارت و طوط بر سوزان شرب را بخیج و پس از آنکه قیج و قیج  
ریز طریقه حفظ و بهر چه حیوانات که رسیده گرد و باید که اولاً چند روز بجل نمازند و بعد از آن که  
خشک شود و با برچکندان و چوبه و سایه آویزند و اگر در ظرفی اندام بهر سال ماند فصل هفتم در بیان  
و آن که اخلاط را قابل استعمال کنند و وضع خد آنکه قیج و حلال آید اما سالی بر آید زیرا که غلیظ و رقیق و در غلظت  
خروج آسانی ندارد اما غلیظ پس سرخ و زرد آنرا از جوی و نافع صفت ظاهر است اما رقیق پس از برای آنکه از شانه  
و نفوذ و شبت است و دخل اعضا و ازال غیر آن خروج است اما از جوی پس رای آنکه شبت میگرد و بعضا کس که مخصوص













و برینند و بعضی ششمره یا دمان باره مانند من بنفشه و نیلوفر و کدو و پیون و نایند و کبک شمشای و حیرت الماشی  
 سله یا با شکر نوشا شد اگر بعد اسهال و فصد وجع و کدی بهر سیداک گرم نوشند اگر اسهال و فصد و سله نماید که گویا  
 باقی است نوشیدن سیب چمن از آنست علامات داله بر قطع عمل سسمل را از آنجمله است و آنکه  
 و نوم است و آتش و عطش حدود منصفه و اگر سنگ سطر چون این علامات ظاهر گردند معلوم شد که عمل سسمل  
 قطع شد و چون دوا سسمل صفر اخیره بود و بعد اسهال صفر اسهال با غم شروع شد سسمل با غم نوشید  
 و بعد از آن غم شود و منصفه شدن گرفت آسمل سودا خوب و منصفی با سسمل هم گرم کردید پس اینهمه دال بر قطع  
 عمل سسمل است پس بزودی منوی چسب سسمل گردند تا خطر عظیم عاید نگردد و چون دوا اخراج یافت از تن بیمار  
 صفر و صاع و اعراض نفسانی قوی میسر باشد تا طبیعت حال اصلی نیاید و همان روز زمین را خوشبو کنند  
 با بکرم از اسحق که بر عرق و فوسک آن تبرید دهند و یا صین طبع معتدله بپزند و خند در حالت مرض مناسب  
 مرقه در حالت صحت بخورند یا طعم قلیل الکلیه سرخ الانضام کشنده غذا استمال الکلیه قوی  
 قوی و از آنجمله است و یا شکر شاول نایب باشد گوشت مرغ جوان فربه و گوشت سینه کبک و یا سبزه و یا زرد  
 و یا قلیه و یا دیوانه و یا قورم که روغن میا بلاد که روغن متداول است و خورد با سسمل و دوا و یا صفت از شش و  
 سسمل با قطع آن با تقویت صده از آنجمله است و یا غذا اقلیل بخورد و اگر سنگ بسیار و استمال و داخل است  
 نمایند و از شاول غذای قوی الکلیه یا الطبع یا با خاصیت و صفت چیزهای معتدله و اخذ و فصد و سله و بعضی  
 خصوصاً در ابدان باره و طبع و زنا و اطفال و شایع است از این دوا و گوشت صفر و یا صفت بسیار با طبع  
 و در ادم نفع صفر اگر رنگ ترشی و این مضایقه نیست زیرا که معده بر نفع آن است و نیز از اطعمه غلبه و در دنیا  
 و قوا بعضی بقول آن فوا که بر نیز کشند و بدانند که سسمل با قفس صفت اگر خون منصف بود و دیگر در نفعی کرده و شد  
 ناماد خوب را که در استمال است و الا اگر گرم رعایت عرض و فراغ و سسمل بر مرض نموده و در دنیا و فدا و فدا و فدا  
 که جز یک غلط خط دیگر را بیرون نماند و اگر آنکه با شخص من است بیشتر اگر و پس اگر اخراج استمال شد و فدا و فدا  
 و سسمل آنرا با هم کرده استعمال سازند و فصل یازدهم در قاعده تعلیمین و آنکه بعضی اگر داده از آنچه  
 در مضایحه صده و صاع و فوا که آنست اخراج نماید و در تعلیمین حاجت نفع ماده نیست تا دین هم که رعایت نفع  
 شود بهتر است که سبک است و تعلیمین شونده یا که دال اقلیل فدا کنند و بطوریکه هر قدر غذا که یک وقت می توان  
 می خوردند و یا فدا و یا مختلف کرده بخورند و این طبعین میبارک که اکثر امراض ظاهر و باطن و بیماریها را  
 مفید است و بیشتر از اجزای حقیقی و زمان حامله و طحال و منصفه و صفا و صفا و درم اشتراک و باقی  
 صفت و فوا که هر قدر که ضرورت بود بکاتب یا آب گرم یا لیه صاف نموده و در دنیا و اگر حرارت بود



تناول نمایند چید و لذت و کثیر و مختلف المان بود و بهتر است پنجه که سبک و صلاحتی قی ندارند  
صاحبان شقی الصدر و ضعیف الدم و رقیق العنق و ضعیف المعدة و قریب منصرف  
و غیر معتاد بقیه و ضعیف الدم و زن حامله و آنکه چشم و گوش او مضیی گرم بادی بود یا آنکه در سینه و حجاب او ورم  
بود و سست و آمانی که اکثر زنان او را یام حل عارض میگردد و متوجع و حس او نگر و نگر و قی که خوف اشتداد ضعف  
و غیره بود و آنرا که قی بشواری آید نیز منع کرده اند مگر اگر ضرورت شد بدو پس در این صورت تدبیر نمایند و شکر  
چرب و طعمها مختلف خورند و در خانه گرم قی کنند و بر مرغ و غن جنا چرب کرده بملق آرند اما اوقات  
قی پس بدانکه بهترین اوقات آن باعتبار فصل و اعتبار ساعت و باعتبار وقت برآمد و بهترین است  
وقتی بر ریه جان نیست مگر طوبی مزاج از گرمی معده که سبک و کمی احساس شد یا لا دراک باشد ناشتا شغل لذت  
خوابی و او نمیتواند کردید و مانند کسی را که غریب و قیای قوی قی فرمایند باید که معده او خالی از غذا بود  
تا از کثرت خروج که دفعه عارض گردد و خناق حادث نشود و چون قی شدن گرفت در آشنای قی  
اگر تانی نبود یا ضعیف و تعب حرکت فرمایند تا قی بیشتر و آسان بر آید زیرا که اینها محرک و غن اختلاط اند و آرام  
و سکون بسیار و خواب فرمایند مگر آنگاه که ارا قطع عملش گردد و بهر حال بکینوده قی فرمایند که بسیار ضرر دارد و در قی  
قی باید که کسی پس قی استاده هر دو شانه او را بکانت بگیرد تا از شدت قی برز و نافه و بعد شربت انجیر  
و انقضا زمانی معتد به اگر خود بخود قی آید بهتر است و الا بر مرغی بر و غن خا و مانند آن چرب نموده داخل گلو  
کنند اگر باز هم آید حرکت دهند اگر اینها کفایت نکند بکام روند و اگر بعد از شستن قی کرک اضطراب عارض گردد و آب گرم  
بازیت آشنایند و اگر قی افراط گردد و بسیار آمد و مودی اضعف گردید و حبس او گشتند و خواب  
کنند و بخواب مکن بود و باز و او ساکت و پاهای او را بکانت و دست و پای او را در آب بسیار سرد گذارند و بر  
معدة او صندل و قوی قابضه مانند و روغنهای قوی خوش بوقا بلض آن مانند عطر صندل و عود هندی و چون آب  
و صندل و جوز بو و او الطهار الطیب و در صندل و اشیا قی قابضه عطر پیشل قی و با و در بنج و در صندل و قی و قی و قی  
از قی و صندل و کشتی خشک و زیره و صندل و سماق و در بنجیل و غیره سائیده بر شکم و جگر او مالند و قدس  
خورانند و ریاحین طیب بویانند موافق مزاج محروم و برود و اگر قی الدم عارض گردد و بهر چه بی حس نگردد  
عصاره بقلة الحما با گل ارمنی خوش اند و طبع را نرم فرمایند تا خونیکه در معده بود دفع شود و اگر خونست پیشین  
خون در نواح صدر و معده او بود و بکینین آب سرد کرده بر بخ یا بر غر اند و چون از قی فراغت شد  
دهن و رو را از آب گرم با سرکه آینه بکشند و آب گرم و بکینین قند و سرکه بکشند تا حلق پاک گردد و از  
باده متصاعده و از نشیان امن گردد و بعد سرکه عود و کینقال یا صندل بکشد و آب سبب یا الطهرینل صغیر

یا شکر دهند تا سحر راتوت بخشد و غشایان التکین نماید اگر تشنگی غالب شود شربت سیب منروج یا کنجبین  
 و یا شربت امیر نوشانند و اگر سوزش معده عارض شود شور باری مرغ دهند و اگر گرسنگی معلوم شود و غذا لطیف  
 سیراب المضم که الفذ اخورند مانند چوبه مرغ و غیره و مرطوبی را کنجشک و بچه کهوتر تازه به پرواز آمده و استریت  
 و تدبیرین شد اسهول و استقام باری رفع اعراض و است و آنکه فی حاض نماید و مست و بدان نبود و در شتر  
 گرم یا بنزد نصف روز غذا دهند و قبل از غذا کباب گرم نموده فوشت کنند و آنرا که فی معده او رسد  
 شود و دو دو ام یا بد استغیج بکسر گرم کرده ترک کرده بر معده او گذارند و اگر بعد فی حالات رویم  
 عارض شود نمانند و در روز دیگر شربت سیب از آب گرم کشید نمایند و امان بلینه وضع معاجم باری است  
 آرد و اگر لثع معده عارض شود مقدور سینه سیراب المضم دهند و ترنج معده بروغن بنفشه و روغن خیری یا قدر  
 سوم آینه نمایند و اگر فواق آید کباب گرم چوبه خورند و غطس آرد و اگر گز او را درده و سیب الفطاع  
 صوت عارض گردد شربت کافور کنند یا بیتی که سداب قشای الحار در وجش بنیده بودند بکسید معده کنند  
 و غسل آب گرم نوشانند و مضار فی آنکه افراط آن ضعف معده است و خطر جبین است و دندان کبید  
 در پیه و بصرو گوش و صرع و مایخی و عروق و زنان حامله و اوجاع مزمنه **فصل سینر و هم در ادرا و آن**  
 آنکه فضول سائل و رطوبات رقیقه از راه بول یا عرق یا شیر اخراج نمایند پس بدانکه اگر اخراج مواد از جگر و کبد  
 و مثانه و اعصابی تناسل منظور بود در استعمال نمایند و اگر خلط زیاد بود و بلا نصب و اسهال مدرند دهند  
 و بلا نصب نیز و در غیر رقیق را به آرد پس در غیر مرین طوبی بندایند و بدانند که عرق از جمله فضول مضم سوم  
 عروقی واجب دفع است که طبیعت در آن تصرف کرده رقیق آنرا بتجیر از راه مسام دفع میکنند و چون  
 کثافت بسیار لطیف جلد نباشد رسیدن بر وی هوایا آب مجتمع گردد و دفع او را عرق گردد و از احتیاس آن بدن را  
 سختگی و کلال طلال عارض میگردد پس باید که تصفیه بدن محام و احتیاس آب گرم کشند و او را در عرق نوشند  
 تا از آفات محفوظ بماند و نیز قیاس آنکه آب گرم که جوشان بود و او را در عرق جوشیده بودند پیش روی خود گذارند و در لثع  
 بر تمام سر بدن بچینند تا بهار آن بدن رسید و جلد را نرم و مسام را مفتوح کرده اخلاط تحت جلد را دفع نمایند و بهار  
 بهر عرق که آید پاک نمایند تا بیشتر آید و آب گرم با سرکه هم بسیار عرق است و اگر عرق بسیار آید و ضعف عارض گردد پس  
 سازند و مسام نرم نازک پوشند و بدن را خشک سازند و آسایش سازند و سیب سازند و کیم من گل سرخ پنجاه درم در جو  
 نیم من آب پنخ کنند و لیده صاف نموده روغن کنجد آینه بآتش شاند تا روغن فقط همان آن روغن جمیع بدن  
 مالند یا خود بپزند که فوخته سفوفش را بر جمیع اعضایش بپاشند و طریق او را یک با مرص و از آن مخصوص است آنکه کبابی  
 و شور قلی خردل قاقله صغار را سفوف کرد و پیشه گاو یا آینه شاند و تمام روز غذا دهند و مرا را شیر باد و چینه آن را بپاشند









[illegible][illegible]























[illegible]

[illegible]

194









الحمد لله الذي جعل في كل شيء  
دروساً لمن يتفكر

[illegible]

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱















۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

[illegible]



[illegible]



40

[illegible]



























۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]





[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]



[illegible][illegible]























بجانب  
مفتی  
مقامی  
مقامی  
مقامی

[illegible]

[illegible]

2000

تاریخ ہجری ۱۲۸۵

[illegible]



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

[illegible]































۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]

[illegible]





۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

[illegible]





۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

[illegible]

卷之四

[illegible]

卷之四

[illegible]

卷之四

زلاطیہ	مولانا ابوالکلام	جلیلی	آزادیخوا	مسعود	سکندر	دانا	مولانا صاحب فرخ سراج "تختم و تحویر" از مولانا محمد سعید احمد جباریہ و سر فرخ
--------	------------------	-------	----------	-------	-------	------	--



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]



















۴	ف	ع	ه	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
سودانی	دار لور		طایریت	ح ی					بسیار شیرازی و طبع و حس جان نرالی
سوزجانی		در بری	نخی است	ح ۳۳ ی ۲	سده	کثیرا	نخیله	۳۰ باشد	سوالی است مگر در نفع و مایه باطله طایر و طایر بر قانی سیر و به غیر نیر و طایر و نیر
سوس	مک	بیست و ده	نبسته	ح ۲۲ ی ۱	گروه	کثیرا		با کثرت ۵۰	منفعه افکار و فایده نیکو است گشای الله و صاحب سحر و طایر است مگر اختصاصی بطل و زیند و بطل
سوسن			نبسته	ح جامع					منفعه و مضر است و طایر کثیرا و در سیر و طایر و در نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است
سولان			نخی است	ح ی ۹					مخوف و مایه سود یک است آن با نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است
باب السین مع الهماء									
									سودی و طایر و مایه سود یک است آن با نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است
		سودی	سودی	بر	ح ی				محل و در نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است
باب السین مع الیاء									
									مست و مایه سود یک است آن با نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است
سید			گیا نخی	ح ی ۳۱					محل و در نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است
سیدان			نخی است	ح ی ۲۱					محل و در نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است
سیدان			دستی	ح ی ۲۰					محل و در نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است

نصف و نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است و طایر و در نفع و مضر است

این کتاب در بیان ادویه که اول آنها حرف تین جمع است  
 و در بیان ادویه که اول آنها حرف تین جمع است  
 و در بیان ادویه که اول آنها حرف تین جمع است  
 و در بیان ادویه که اول آنها حرف تین جمع است

ع	ن	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	اقفال و خاص
سیا			باجست	ع ی ۶					بجای اخص سیرین طایفان آن کشید و از آن کشید و بنفشه و زعفران آن کشید و بنفشه و زعفران آن کشید
		سینول	دردی خوشه	ع ر					صغیر و بزرگ و از آن کشید و بنفشه و زعفران آن کشید و بنفشه و زعفران آن کشید
		سینول	دردی خوشه	ع ر					بزرگ و صغیر و از آن کشید و بنفشه و زعفران آن کشید و بنفشه و زعفران آن کشید
سیان			صغیر خوشه	ع ی ۴	خوردن	میوه ترش			منجی طریق طبعی است از آن کشید و بنفشه و زعفران آن کشید و بنفشه و زعفران آن کشید
سیدایک	فاطمه		بنای است	ع ی ۳	خوردن	کتیرا	انجوان	ع ی ۴	محل طبع است که بنفشه و زعفران آن کشید و بنفشه و زعفران آن کشید
سیدیز	سینل	یران	نمای است	ع ی ۳	رپه	کتیرا	مرزنجوش	ع ی ۴	منجی طریق طبعی است از آن کشید و بنفشه و زعفران آن کشید و بنفشه و زعفران آن کشید
		سیم	نمای است	ع ی ۳	رپه	کتیرا	مرزنجوش	ع ی ۴	منجی طریق طبعی است از آن کشید و بنفشه و زعفران آن کشید و بنفشه و زعفران آن کشید

### مقاله سیر و در بیان ادویه که اول آنها حرف تین جمع است

#### کتاب الشیخین معراج الحف

شادین	شادین	ساقول	دردی خوشه	ع ی ۳	صغیر	نمای است	ع ی ۳	ع ی ۳	ع ی ۳
شادین	شادین	ساقول	دردی خوشه	ع ی ۳	صغیر	نمای است	ع ی ۳	ع ی ۳	ع ی ۳
شادین	شادین	ساقول	دردی خوشه	ع ی ۳	صغیر	نمای است	ع ی ۳	ع ی ۳	ع ی ۳
شادین	شادین	ساقول	دردی خوشه	ع ی ۳	صغیر	نمای است	ع ی ۳	ع ی ۳	ع ی ۳

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱







[illegible][illegible]



[illegible]

ح	ن	م	ط	مغض	ب	ق	افعال و خواص
							مقتالیه پیاپی در میان ادویه که اولی آنرا صحت و صفا و جود است

الحمد لله

[illegible]

باب الصلاة في رمضان

[illegible]

باب الفوائد العامة

صحیفہ	نامیاد		سی	محمود و سوادہ کی	تبدیل کلی ہوئی		بجفت در طبقات معتد قاطع بطور حوالی آن دفع بوی کمال سے	پیشانی
-------	--------	--	----	---------------------	-------------------	--	---	--------

تاریخ اسلام

سینہ	سورٹ	ب ی	مطابق کتابت اس کا افسانہ المومنین لکھ کر دیکھو یہ بھی ایک افسانہ ہے
------	------	-----	---

دور و دیر و دیر و دور  
دور و دیر و دیر و دور  
دور و دیر و دیر و دور  
دور و دیر و دیر و دور

142

16







[illegible][illegible]





[illegible][illegible]









باب العین مع الهمزة

عین مع الهمزة تعنی فی غیر الهمزة و تعنی مع الهمزة تعنی مع الهمزة و تعنی مع الهمزة

باب العین مع الشین

عین مع الشین تعنی مع الشین و تعنی مع الشین و تعنی مع الشین و تعنی مع الشین

عین مع الشین تعنی مع الشین و تعنی مع الشین و تعنی مع الشین و تعنی مع الشین

عین مع الشین تعنی مع الشین و تعنی مع الشین و تعنی مع الشین و تعنی مع الشین

باب العین مع الصاد

عین مع الصاد تعنی مع الصاد و تعنی مع الصاد و تعنی مع الصاد و تعنی مع الصاد

عین مع الصاد تعنی مع الصاد و تعنی مع الصاد و تعنی مع الصاد و تعنی مع الصاد

عین مع الصاد تعنی مع الصاد و تعنی مع الصاد و تعنی مع الصاد و تعنی مع الصاد

باب العین مع الضاد

عین مع الضاد تعنی مع الضاد و تعنی مع الضاد و تعنی مع الضاد و تعنی مع الضاد

عین مع الضاد تعنی مع الضاد و تعنی مع الضاد و تعنی مع الضاد و تعنی مع الضاد

عین مع الضاد تعنی مع الضاد و تعنی مع الضاد و تعنی مع الضاد و تعنی مع الضاد

عین مع الضاد تعنی مع الضاد و تعنی مع الضاد و تعنی مع الضاد و تعنی مع الضاد











[illegible][illegible]

卷之四

[illegible]

باب الفتي من المال الجدة

مؤلف	نوع اثر	حی	کتاب	کتابخانه	توضیحات
مؤلف	نوع اثر	حی	کتاب	کتابخانه	توضیحات

卷之四

مستفید از دیدن این کتاب و شکر از حق تعالی و از ائمه و اولاد ائمه علیهم السلام	۱۵۵	مجموع	۱۵۵	طبع	تبرکات
و نیز از حضرت و از قاطع باطل و علیین و جمیع آن حضرت علیهم السلام	۱۵۶	در این کتاب	۱۵۶	طبع	تبرکات





[illegible]

[illegible][illegible]





۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

[illegible]







[illegible]



















ح	ف	ل	م	ط	مض	ب	ق	انفال و خواص
کمان	دسته	اسی و	بانی شتر	بی				لباس آن لشکر است و آن را شمشیر منسوب میکنند و در صدر نیز آن را شمشیر منسوب میکنند
کمر			برگه نایل	بی	مضامین و تفهیم الای			مالی و این را شمشیر منسوب میکنند و در صدر نیز آن را شمشیر منسوب میکنند
کینه			نایل	بی				مخفی و غیره شمشیر و غیره و این را شمشیر منسوب میکنند و در صدر نیز آن را شمشیر منسوب میکنند
گنبد			نایل است	بی				اگر در خدمت شمشیر الای و غیره و این را شمشیر منسوب میکنند و در صدر نیز آن را شمشیر منسوب میکنند
			منه و نایل	بی	الکتاب و الای			قانون منسوب الای و غیره و این را شمشیر منسوب میکنند و در صدر نیز آن را شمشیر منسوب میکنند
			کینه	بی	صفحه الای			دافع و در خدمت و در خدمت و این را شمشیر منسوب میکنند و در صدر نیز آن را شمشیر منسوب میکنند
			کمانی	بی				دافع و در خدمت و در خدمت و این را شمشیر منسوب میکنند و در صدر نیز آن را شمشیر منسوب میکنند
باب الحاکم و غیره و الای								
کثیرا	زوال	کثیرا	منه و نایل	بی	صفحه الای			منه و نایل و در خدمت و این را شمشیر منسوب میکنند و در صدر نیز آن را شمشیر منسوب میکنند
			کینه	بی				دافع و در خدمت و در خدمت و این را شمشیر منسوب میکنند و در صدر نیز آن را شمشیر منسوب میکنند
باب الحاکم و غیره و الای								
			کینه	بی				دافع و در خدمت و در خدمت و این را شمشیر منسوب میکنند و در صدر نیز آن را شمشیر منسوب میکنند
			کینه	بی				دافع و در خدمت و در خدمت و این را شمشیر منسوب میکنند و در صدر نیز آن را شمشیر منسوب میکنند

توضیح: این کتاب در خدمت و در خدمت و این را شمشیر منسوب میکنند و در صدر نیز آن را شمشیر منسوب میکنند







[illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

ح	ن	ه	م	ط	عض	ب	ق	افعال خواص
کشتی بر	بش از		نباش	۲۱	زید	ایستادن	بسیار	تجربه می کند و به کشتی باطنی سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود
کشتی بر	امور		ناباش	۲۲	مهر	مهر	مهر	تجربه می کند و به کشتی باطنی سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود
کشتی بر			ناباش	۲۳	مهر	مهر	مهر	تجربه می کند و به کشتی باطنی سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود
کشتی بر			ناباش	۲۴	مهر	مهر	مهر	تجربه می کند و به کشتی باطنی سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود
کشتی بر			ناباش	۲۵	مهر	مهر	مهر	تجربه می کند و به کشتی باطنی سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود
کشتی بر			ناباش	۲۶	مهر	مهر	مهر	تجربه می کند و به کشتی باطنی سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود
کشتی بر			ناباش	۲۷	مهر	مهر	مهر	تجربه می کند و به کشتی باطنی سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود
کشتی بر			ناباش	۲۸	مهر	مهر	مهر	تجربه می کند و به کشتی باطنی سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود
کشتی بر			ناباش	۲۹	مهر	مهر	مهر	تجربه می کند و به کشتی باطنی سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود
کشتی بر			ناباش	۳۰	مهر	مهر	مهر	تجربه می کند و به کشتی باطنی سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود و به کشتی بیرون سوار می شود



دستور العمل  
آبجی سیکارند  
دیویم و متعجباً به  
از هر یک جداگانه  
فقط یک خنجر  
خنجران  
نیفره و نام خنجر  
از هر یک در خنجر  
بادیان را که می  
رواقه و در  
خنجره و فیض  
از خنجره و

[illegible]













چاپخانه مطبعه دارالاسلام  
کوشه دروازه کهنه  
قزاقچه بازار  
در بین مسجدین  
خارن شنبه  
شهر اراکان  
از خدمات  
مناقص شود  
گزارش  
گزارش

[illegible]



۴  
کتابخانه  
از دست  
است  
تجدید  
تجدید  
تجدید

[illegible]











افعال و خواص	ق	ب	مص	مض	ط	ه	ة	ف	ع
سختی زایل رخ و سر زنی بدن برون رخ و قطع سیلان خون			قوت بگریز		ح ی	لایست	لایست	لایست	لایست
جانی سختی و سر برون رخ و قطع سیلان خون	سد بیه	ایرسا	قوت بگریز	محو فعال	ح ی	بگ درخت			لایست
موتی لایست و قطع خون و رخ و سر برون رخ و قطع سیلان خون			قوت بگریز	قوت	ح ی	جبری خوش	ایرسا	لایست	لایست
کینه انداز و سر برون رخ و قطع سیلان خون		با قطع	زیر و زور	میران	ب ا	جالی لول	موتک	بیهوش	لایست
با فعال خون و سر برون رخ و قطع سیلان خون					ح ی	نابا	موتک		
تپش و سر برون رخ و قطع سیلان خون			بادام	لایست	ح ی	موتک	بیهوش	لایست	لایست
گوشه و سر برون رخ و قطع سیلان خون			ادویه	موتک	ح ی	لایست	بیهوش	لایست	لایست
موتی و سر برون رخ و قطع سیلان خون				موتک	ح ی	لایست	بیهوش	لایست	لایست
بگش و سر برون رخ و قطع سیلان خون									لایست
قوتی و سر برون رخ و قطع سیلان خون									لایست
جانی و سر برون رخ و قطع سیلان خون									لایست
موتی و سر برون رخ و قطع سیلان خون									لایست
بگش و سر برون رخ و قطع سیلان خون									لایست
قوتی و سر برون رخ و قطع سیلان خون									لایست
جانی و سر برون رخ و قطع سیلان خون									لایست
موتی و سر برون رخ و قطع سیلان خون									لایست

الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام  
على سيدنا محمد  
والآله الطيبين  
الطاهرين











[illegible][illegible]



جایگاه  
دور در زمان ۱۲  
ویران و تاراج  
است از اینجا  
رفتاد اراضی  
بیشتر آن خلأ  
شدند و آبادانی  
زیاده نمودند  
آزار از تنگ  
و تمام شهر  
طعام را از کرب  
نجات یافتند و  
علیه آلودگی  
ساخته اند و  
در این شهر

[illegible]





















فصل الاول في معرفة اقسام النسخ  
 في نسخ النسخ في نسخ النسخ

ع	ن	هـ	م	ط	مض	ب	ق	انفال وخواص
دره لطاق	لغز مينا		لغز مينا	ح ي				محل قوي و در الطاقه ستعانونه نشو برست
درس			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	مقوى مضج الفخ بن و صفات بر من نسخ و محل حالي لمي منت
و شان			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	كوشه آن نافع فالح و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
باب الواو مع السنين المجهله								
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
باب الواو مع السنين المجهله								
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
باب الواو مع السنين المجهله								
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
باب الواو مع السنين المجهله								
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
باب الواو مع السنين المجهله								
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره
دره			لغز مينا	ح ي	ح ي	نسخ	نسخ	بهي حالي نسخ و در دره كوشه نشو و محل حالي ماست و در شمره شمره شمره





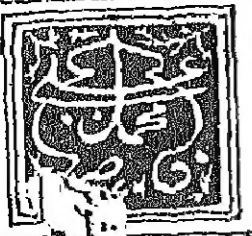








شرفیہ ساختند قیام بعد اندک اسر الناظرین قاصدا لہ حد الشاکرین ختم از آب و دوستان اگر کہ اسر ذکا و کرام  
 ازین بحر ذخار منفجر شوند عامل بر خدای صفا و بی ما کہ رشوند اکنون حق تصنیف این نسخہ صراحتا  
 جتار جلد ماجد علم فضلہ و ابقاہ بخوشی و رضای خویش سبلا کہ دو دمان عالی خاندان شوقہ خوانین بلند مکان  
 محبوبہ النفس و الافاق تاجہ عالی و قاص صاحب طبع ذی اعتبار مادی و فطریہ خوش طبعان علی محمد علی بخش خان  
 صاحب مالک طبع علوی لکھنوی بہ صبح فرمودند و موصوفہ لہ موصوفہ بران قابض و مستغرق گشتہ مطابق نسخہ  
 مذکورہ در طبع عالیہ خویش کمال صحت و خوش اسلوبی از نو و طبع آراستہ اشاعت آن ساختند پس بہت از انشا  
 و اشاعت صحت نسخہ صحیحہ ہذا جناب الہ موصوفہ مزین از محسن خود نمودند  
 باید کہ گد امی اہل طرایع بلا اجازت خالصا صاحب مدوح غلام طبع آن نسخہ  
 نسازند و بخیر ال سود نزد خسران با خود نہا زند فقط



لہ الحمد والمنة کہ کتاب کمال الکتاب و موسوم بہ ناصر المعالجین حسب فرمایش و تفسیر ثانی مصنف مدوح  
 مرتبہ دوم کمال صحت و بارہ و جالفشانی و جد و جد بی تمام تصحیح و تنقیح ماہ علوم شریف و آفت فنون لطیف عالم  
 مقبول و منقول حاوی فروع و اصول و ولوی سید محمد معشوق علی سلمہ اللہ القوی در شہر لکھنؤ مقام کثرہ  
 محمد علی خان و طبع علوی با ہتمام خاکسار شہزادہ بیان محمد علی بخش خان ابن پیر محمد خان غفر  
 جلد ۱ - بتاریخ نسبت چہارم شہر شد ان لکھنؤ شہر ہجری فتنی طبع ۱۰ فی جلد ۱

انتقدار

حق تصنیف اس کتاب ناصر المعالجین کا بموجب ہبہ نامہ مصنف مدوح بنام عاصی محمد علی بخش خان مالک  
 طبع علوی لکھنوی کی ہے ہر کو کہ حسب درخواست داخل ہی حبشہ سری سرکارا بد قراریراد قانون بستہ شدہ  
 مندرج کی گئی لہذا التماس ہے کہ بدون اجازت اس عاصی مالک طبع علوی کی کتاب ہذا اسمی ناصر المعالجین  
 نہ پایا جائی بلکہ عند الضرورت جب قدر احتیاج ہون بذریعہ خط پید یا سال قیمت طلب فرما و غیر انشا اللہ تعالیٰ



واسطی سند اس امر کی کہ یہ کتاب مطبع علوی میں چھپی ہے  
 مطبع ثبت کی گئی فقط





CALL No. { ۶۱۰۶۳ } ACC. No. ۹۸۸۲  
 AUTHOR.....  
 TITLE..... نام کتاب

۶۱۰۶۳ ۹۸۸۲  
 نام کتاب  

Date	No.	Date	No.

MAULANA  
AZAD  
LIBRARY



:-RULES:-

ALIGARH  
MUSLIM  
UNIVERSITY

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1/- per volume per day shall be charged for textbooks and 10 P. per vol. per day for general books kept overdue.